

شعر امروز ۶

از عشقِ بی عبارت

شعرهایی با الهام از سوانح العشاق احمد غزالی
همراه با گزیده‌ای از کتاب سوانح

یاسر تسلیمیان



۱۴۰۰

سرشناسه	تسلیمیان، یاسر، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور	از عشق بی عبارت: شعرهایی با الهام از سوانح العشاق احمد غزالی همراه با گزیده‌ای از کتاب سوانح/ یاسر تسلیمیان.
مشخصات نشر	قائم‌شهر: نشر شاپار، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۳۷ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۷۳۷۶-۷-۵
فروست	شعر امروز؛ ۶
وضعیت فهرست‌نویسی	فیب
عنوان دیگر	شعرهایی با الهام از سوانح العشاق احمد غزالی همراه با گزیده‌ای از کتاب سوانح
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴؛ Persian poetry -- 20th century
موضوع	غزالی، احمد بن محمد، -۵۲۰ق. . سوانح العشاق -- اقتباس‌ها
موضوع	نثر فارسی -- قرن ۱۲ق. . Persian prose literature -- 12th century
موضوع	عشق (عرفان) -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	Love (Mysticism) -- Early works to 20th century
شناسه افزوده	غزالی، احمد بن محمد، -۵۲۰ق. . سوانح العشاق . برگزیده
رده‌بندی کنگره	۸۳۳۷PIR
رده‌بندی دیوبی	۶۲/۱۶۸
شماره کتاب‌شناسی ملی	۸۴۸۷۸۱۳

از عشق بی عبارت

تالیف:	یاسر تسلیمیان
ناشر:	شاپار
طراح جلد:	سید محمود رسولی
صفحه آرا:	شهرام موسی‌پور
چاپ و صحافی:	مجد
نوبت چاپ:	اول - ۱۴۰۰
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۴۵۰.۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۹۷۳۷۶-۷-۵



نشر شاپار



@nashreshapar



nashreshapar

مازندران، قائم‌شهر، خیابان آیت‌الله صالحی مازندرانی، پاساژ رنجبر، طبقه دوم، واحد ۳۳۳

شماره تلفن ۰۱۱۴۲۳۷۵۸۲۹، شماره همراه ۰۹۱۱۳۲۴۵۱۶۱

پست الکترونیکی: Shaparnashr@gmail.com

فهرست

۱۱	 دیباچه
۱۷	 مقدمه: عشق بی عبارت
۲۰	 فصل یکم: روانه با عشق
۲۳	 فصل دوم: به جای او خود؛ به جای خود او
۲۶	 فصل سوم: لجه بی علم
۲۹	 فصل چهارم: عشق می خورد
۳۲	 فصل پنجم: ششم و هفتم: عشق نمی رود
۳۴	 فصل هشتم: انسان، معشوق، خدا
۳۷	 فصل نهم و دهم: نه هر خانه، انسان دوست
۴۰	 فصل یازدهم: بیا تو من شو
۴۳	 فصل دوازدهم: کرشمه معشوقی
۴۶	 فصل سیزدهم: سر روی
۴۸	 فصل چهاردهم: از او اوتر
۵۰	 فصل پانزدهم: دیده ها نبینید
۵۲	 فصل شانزدهم: دویی و یکی
۵۳	 فصل هجدهم: خود را با او از او
۵۶	 فصل نوزدهم: او بر وقت، نه وقت بر او
۵۹	 فصل بیستم: کمان نظر
۶۱	 فصل بیست و یکم: عاشق کدام؟ معشوق کدام؟

- فصل بیست و پنجم: دیدار: و هستی ۶۳
- فصل بیست و نهم: یافت نایافت ۶۵
- فصل سی و یکم: قرب بُعد: بُعد قرب ۶۷
- فصل سی و سوم: اگر پرده‌ها شفاف افتد ۷۰
- فصل سی و چهارم: او را برای خود: خود را برای او ۷۳
- فصل سی و نهم: یک نفس، معشوق خود ۷۵
- فصل چهل و یکم: وصال فراق تر. فراق وصال تر ۷۹
- فصل چهل و دوم و چهل و سوم: حضور صفات به ظهور اضداد ۸۱
- فصل چهل و پنجم: کار دل: عشق ۸۳
- فصل چهل و ششم: دوست به رنگ و بوی نفس ۸۵
- فصل چهل و هفتم: می بینمت بی درک! ۸۷
- فصل چهل و هشتم: تا تو پیدا آمدی بهمان شدم ۹۰
- فصل چهل و نهم: راه همانا ۹۲
- فصل پنجاهم: بارگاه‌ها ۹۴
- فصل پنجاه و یکم: تا محل نظر ۹۶
- فصل پنجاه و چهارم: اسرار عین، شین، قاف ۹۸
- فصل پنجاه و پنجم: خصمی در دویی ۱۰۰
- فصل پنجاه و ششم: بی چشم بین: بی گوش بشنو ۱۰۲
- فصل پنجاه و هفتم: پاک بی نصیب ۱۰۴
- فصل پنجاه و هشتم: من گفتم یا تو؟ ۱۰۶
- فصل پنجاه و نه و شصت: سایه شاهد الفنا ۱۱۰
- فصل شصت و یکم: انس عشق ۱۱۳
- فصل شصت و دوم: اشتقاق از عشق ۱۱۶

فصل شصت و سوم: پیکر جان: نقد جان.....	۱۱۸
فصل شصت و چهارم: معشوق متعالی صفت.....	۱۲۱
فصل شصت و پنجم: طمع و	۱۲۴
فصل شصت و ششم: همه اوئی: همه تویی.....	۱۲۷
فصل هفتادم: از تلوین تا تمکین.....	۱۳۰
فصل هفتادویکم: خزانۀ عشق.....	۱۳۲
فصل هفتاد و دوم: عجب آینه‌ای.....	۱۳۴
فصل هفتادوپنجم: دست خالی عبارت.....	۱۳۶

دیباچه

به نام نور، در دل‌های روشن

حالا که این دیباچه را می‌نویسم بیش از یک سال از آغاز یک حرکت ساکن و یک سکون در حرکت، گذشته است. در این مدت نمی‌دانم چقدر، اما تا ژرفای معنی موانع العشاق در حد توانم غواصی کرده‌ام؛ نه به آن خاطر که چیزی به دست آورم؛ به آن دلیل که غواصی کرده باشم. آیا با ادبیات والا و فاخر، کاری جز همین غواصی و سیر و پیمایش باید کرد؟ سیری که الهام می‌بخشد؛ عاطفه را بیدار می‌کند و به بازتولید می‌انجامد. در این جا اگر زبان بچرخد، می‌تواند چیزی باشد که ثبت گردد. این غواصی که در سیر اولیه، نه ماه به طول انجامید، بارهایی بر کاغذ نهاد و متولد کرد؛ و البته چند ماه پس از آن نیز از آهوی حُسن این کتاب شریف، این نوباوه‌ها را شیر دادم تا حاصل، آنچه شد که در این دفتر مجموع آمد. اما این الهام آیا تمام‌شدنی‌ست؟ قطعاً تا عشق هست، الهام عشق هم هست و چه بسا که غواصی دوباره، بارهایی دیگر را به بار آورد - کما این که بعضی فصول، دو شعر زاییدند - اما به هر روی جایی باید دفتر ظاهر را

بست و سوانح عشق هم محدود به کاغذ و کتاب که نیست... «از هر خاکی که بوی عشق برخاست»، سانحه‌ای هست و غواصی.

در اینجا از جایگاه والای کتاب سوانح العشاق احمد غزالی چیزی نمی‌گوییم؛ که گفته‌اند. چقدر خوشحال خواهیم بود اگر بینم این اثر ارزشمند غزالی در جامعه بیشتر نفوذ کند و چقدر خوشحال‌تر که فرهنگ والایی که از هنر ادبیات، نور می‌باشد را رسوخ کرده در کار و کردار یک ملت بینم. در هر حال آنچه به یاری حضرت محبوب بر این دست جاری شد، اگر گامی کوتاه باشد در این مسیر، بسیار مایه خرسندی‌ست.

در شیوه این دفتر، کتاب سوانح را در فواصل زمانی، تقریباً به ترتیب می‌خواندم و هر بخش را که برانم الهام‌بخش بود، در نظر گرفته و کلماتی را ثبت می‌کردم. به این ترتیب برای یک مقدمه و پنجاه و سه فصل از فصول این کتاب - که تعداد آنها در نسخ مختلف تا هفتاد و پنج رسیده است - شعر سروده شد. البته در برخی موارد برای دو یا سه فصل نزدیک به هم از نظر محتوا، یک شعر سروده شده است. خواننده محترم در این کتاب ابتدا گزیده‌ای از هریک از فصل‌های مورد نظر را پیش رو خواهد داشت و پس از آن، شعر مرتبط با آن را، در گزینش متن فصول هم آنچه بیشتر موجب غور و تعمق شد را در نظر گرفتیم؛ که همان‌ها در اشعار بازتاب یافته‌اند. شعرها نیز یک بازتمایی صرف نبوده و نیستند؛ بلکه هویت مستقل آنها را در عین الهام‌پذیری باید جستجو کرد.